

تنها مسیر(راهبرد اصلی در نظام تربیت دینی)-۲۳

## پناهیان: مراحل سه‌گانه مبارزه با هوای نفس؛ ۱. عقل، ۲. ایمان، ۳. ولایت / صداقت انسان در تواضع به خدا، تنها هنگام تواضع به ولی خدا ثابت می‌شود / حقوق بشر یا هوای بشر؟

حجت الاسلام و المسلمین پناهیان، شبهای ماه مبارک رمضان در اولین ساعات بامداد (حدود ساعت ۲۴) در مسجد امام صادق(ع)-جنب میدان فلسطین، به مدت ۳۰ شب و با موضوع «تنها مسیر(راهبرد اصلی در نظام تربیت دینی)» سخنرانی می‌کند و پایان‌بخش برنامه شبهای این مسجد، دقایقی مداحی و سپس مناجات حجت الاسلام علیرضا پناهیان از ساعت ۱ تا ۱:۳۰ بامداد است. در ادامه گزیده‌ای از مباحث مطرح شده در بیست و سومین جلسه را می‌خوانید:

### مراحل مبارزه با نفس؛ ۱. «عقل» در مقابل هوای نفس ۲. «ایمان» در مقابل هوای نفس ۳. «ولایت» در مقابل هوای نفس

- مسیر مبارزه با نفس، در نهایت به مدیریت مبارزه با هوای نفس توسط ولایت منجر می‌شود. اگر در اوایل مبارزه با نفس، عقل در مقابل هوای نفس بود؛ در مراحل بعد ایمان است که در مقابل هوای نفس قرار می‌گیرد و بعد، نهایتاً این ولایت است که در مقابل هوای نفس قرار می‌گیرد.

- ۱. عقل در مقابل هوای نفس: عقل توصیه می‌کند که دورترین منافع را ببین ولی هوای نفس تو را دعوت به سطحی‌ترین منافع می‌کند.

- ۲. ایمان در مقابل هوای نفس: ایمان، هدف و انگیزه را ایجاد می‌کند ولی هوای نفس تلاش می‌کند ایمان شکل نگیرد. اگر کسی از هوای نفس تبعیت کند، ایمان را از دست می‌دهد.

- ۳. ولایت در مقابل هوای نفس: برای مبارزه با نفس، برنامه‌ریزی لازم است. و «تقوی» برنامه مبارزه با نفس است که روش تضعیف «من» را بیان می‌کند. برای تضعیف «من» باید دستورات را از خدا بگیری و این دستورات را ولی خدا باید به تو ابلاغ کند. دستور گرفتن از خدا، مستقیم نیست و باید در مقابل ولی او تواضع کنی. پذیرفتن برتری او و فضیلت او در این تواضع هست. در این مرحله، هم باید دستوراتی را که ولی خدا از جانب خدا بیان می‌کند را بپذیری و هم دستوراتی که خودش می‌دهد را بپذیری تا انانیت تو از بین برود. پس در این مرحله، هوای نفس در مقابل «ولایت» قرار می‌گیرد و برای مقابله با هوای نفس باید دستورات ولی خدا را بپذیری.

### کسی که دین خود را از امام(ع) نگرفته باشد، از هوای نفس خود تبعیت کرده

- در مورد رابطه هوای نفس با ولایت روایت‌های زیادی وجود دارد. از امام رضا(ع) در مورد معنای این آیه سؤال شد: «وَمَنْ أَضَلُّ مِمَّنْ اتَّبَعَ هَوَاهُ بَعْدَ هُدًى مِنَ اللَّهِ؛ چه کسی گمراه‌تر است از آنکه از هوای نفس خود بدون هدایت خدا پیروی کند؟» (قصص/۵۰) حضرت فرمود: «منظور کسی است که دین خویش را به رأی و نظر خود گرفته باشد نه از امامی از میان ائمه هدی؛ عَنْ أَبِي

الْحَسَنَ ع فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ - وَ مَنْ أَصْلُ مِمَّنْ اتَّبَعَ هَوَاهُ بَغَيْرِ هُدًى مِنَ اللَّهِ - قَالَ يَعْنِي مَنْ اتَّخَذَ دِينَهُ رَأْيَهُ بَغَيْرِ إِمَامٍ مِنْ أُمَّةِ الْهُدَى «(کافی/۱/۳۷۴)».

- آنچه در این روایات بیان می‌شود، با آنچه در در مورد دستور گرفتن از ولی خدا برای مخالفت با هوای نفس مطرح شد، تطبیق دارد و همان عملیات فکری را تأیید می‌کند. با این نوع روایات نباید صرفاً یک برخورد تبعیدی داشت، بلکه باید آنها را مبنا و روش مخالفت با هوای نفس برای همگان دانست.

### صداقت انسان در تواضع به خدا، تنها هنگام تواضع به ولی خدا ثابت می‌شود

- تواضع واقعی انسان‌ها به خداوند، در نوع برخوردشان با ولایت مشخص می‌گردد. اگر ولایت فردی مثل خودت که بر تو فضل و برتری دارد را بپذیری، در واقع تواضع کرده‌ای و در اینجا است که ولایت اصل می‌شود. با موضوع ولایت باید تحلیلی و تعقلی برخورد کرد و آثار آن را در تمام اجزاء دین بررسی کرد. آنچه از مجموعه بسیاری از آیات قرآن، روایات، و نیز بررسی‌های عقلی روشن می‌شود، این است که صداقت انسان در تواضع به خدا، تنها هنگام تواضع به ولی خدا ثابت می‌شود.

- زراره می‌گوید از امام باقر(ع) و امام صادق(ع) شنیدم که می‌فرمودند: «خداوند امر خلقش را به پیامبرش واگذار کرده است تا ببیند اطاعتشان چگونه است؟ سپس این آیه را تلاوت می‌کردند که هر آنچه پیامبر به شما (دستور) می‌دهد بپذیرید و از هر چه نهی می‌کند، دوری کنید؛ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ فَوَّضَ إِلَى نَبِيِّهِ ص أَمْرَ خَلْقِهِ لِيَنْظُرَ كَيْفَ طَاعَتْهُمْ ثُمَّ تَلَا هَذِهِ الْآيَةَ - مَا آتَاكُمْ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَ مَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا» (کافی/۱/۲۶۶)

- امام صادق(ع) روایت می‌کند که رسول خدا(ص) فرمود: «قسم به آن کسی که مرا به پیامبری برانگیخته است، خدا را دیدار کند اگر کسی با اعمال هفتاد پیامبر، خدا را دیدار کند، اما ولایت اولو الامر را با خاندان را به همراه نداشته باشد، خداوند از او نه توبه و بازگشتی می‌پذیرد و نه فدیة ای؛ وَ الَّذِي بَعَثَنِي بِالْحَقِّ نَبِيًّا، لَوْ أَنَّ رَجُلًا لَقِيَ اللَّهَ بِعَمَلِ سَبْعِينَ نَبِيًّا ثُمَّ لَمْ يَلْقَهُ بِوَلَايَةِ أُولَى الْأَمْرِ مَنَّا أَهْلَ الْبَيْتِ مَا قَبِلَ اللَّهُ مِنْهُ صَرْفًا وَ لَا عَدْلًا» (امالی مفید/۱۱۵)

- در روایات مشابه دیگری، رسول خدا(ص) می‌فرماید: «قسم به کسی که جان محمد به دست اوست، اگر در روز قیامت کسی با عمل هفتاد پیامبر وارد شود، خداوند از او قبول نمی‌کند مگر اینکه با ولایت من و اهل بیت من آمده باشد؛ وَ الَّذِي نَفْسُ مُحَمَّدٍ بِيَدِي، لَوْ أَنَّ عَبْدًا جَاءَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ بِعَمَلِ سَبْعِينَ نَبِيًّا مَا قَبِلَ اللَّهُ ذَلِكَ مِنْهُ حَتَّى يَلْقَاهُ بِوَلَايَتِي وَ وَلايَةِ أَهْلِ بَيْتِي» (امالی طوسی/۱۴۰)

### کسی که اعتقاد به ولایت اهل بیت(ع) نداشته باشد، اهل دوزخ است حتی اگر تمام عمرش عبادت کند

- میسر می‌گوید: بر امام صادق(ع) وارد شدم و به آن حضرت عرض کردم: فدایت شوم، همسایه‌ای دارم که شب‌ها برای نماز شب از صدای او بیدار می‌شوم که یا مشغول خواندن قرآن است و آیات را مکرر می‌خواند و گریه و زاری می‌کند و یا دعا می‌کند. درباره او تحقیق کردم، به من گفتند: او از همه محرّمات الهی دوری می‌کند. امام (ع) فرمود: ای میسر، آیا به آنچه تو اعتقاد داری (ولایت ما اهل بیت) معتقد است؟ گفتم: خدا می‌داند.

- این گذشت تا آنکه سال بعد به حج رفتیم و از حال آن مرد پرسیدم، متوجه شدم که هیچ معرفتی به ولایت اهل بیت(ع) ندارد. وقتی خدمت امام صادق(ع) رسیدم و از حال آن مرد به حضرت خبر دادم، همان سخن سال گذشته را تکرار فرمود و پرسید: آیا به آنچه تو اعتقاد داری معتقد است؟ گفتم: نه. فرمود: ای میسر، کدام نقطه روی زمین از همه جا حرمتش بیشتر است؟ گفتم: خدا و رسول او

و فرزند پیامبرش بهتر می‌دانند. حضرت فرمود: ای مُیَسِّرُ، میان رکن و مقام باغی از باغهای بهشت است، و میان قبر رسول خدا(ص) و منبرش نیز بوستانی از بوستان‌های بهشت قرار دارد. به خدا قسم اگر خداوند به بنده‌ای عمر طولانی بدهد تا اینکه او میان رکن و مقام، و میان قبر و منبر پیامبر، هزار سال خدا را عبادت کند، و سپس او را مظلومانه در بسترش مانند گوسفند سر ببرند، و خدا را در حالی ملاقات کند که به ولایت ما معتقد نباشد، بر خدا سزاوار است که او را بر روی صورت در آتش دوزخ بیاندازد.

• (دَخَلْتُ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع فَقُلْتُ لَهُ جُعِلْتُ فِدَاكَ إِنَّ لِي جَاراً لَسْتُ أَنْتَبَهُ إِلَّا بِصَوْبِهِ إِمَّا تَالِيَا كِتَابَهُ يُكْرِهُهُ وَ يَبْئِي وَ يَتَضَرَّعُ وَ إِمَّا دَاعِيَا فَسَأَلْتُ عَنْهُ فِي السَّرِّ وَ الْعَلَانِيَةِ فَقِيلَ لِي إِنَّهُ مُجْتَنَبٌ لِجَمِيعِ الْمَحَارِمِ قَالَ فَقَالَ يَا مُيَسِّرُ يَعْرِفُ شَيْئاً مِمَّا أَنْتَ عَلَيْهِ قَالَ قُلْتُ اللَّهُ أَعْلَمُ قَالَ فَحَجَجْتُ مِنْ قَابِلٍ فَسَأَلْتُ عَنِ الرَّجُلِ فَوَجَدْتُهُ لَا يَعْرِفُ شَيْئاً مِنْ هَذَا الْأَمْرِ فَدَخَلْتُ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع فَخَبَّرْتُهُ بِخَبَرِ الرَّجُلِ فَقَالَ لِي مِثْلَ مَا قَالَ فِي الْعَامِ الْمَاضِي يَعْرِفُ شَيْئاً مِمَّا أَنْتَ عَلَيْهِ قُلْتُ لَا قَالَ يَا مُيَسِّرُ أَيُّ الْبِقَاعِ أَعْظَمَ حُرْمَةً قَالَ قُلْتُ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ وَ ابْنُ رَسُولِهِ أَعْلَمُ قَالَ يَا مُيَسِّرُ مَا بَيْنَ الرُّكْنِ وَ الْمَقَامِ رَوْضَةٌ مِنْ رِيَاضِ الْجَنَّةِ وَ مَا بَيْنَ الْقَبْرِ وَ الْمَنْبَرِ رَوْضَةٌ مِنْ رِيَاضِ الْجَنَّةِ وَ لَوْ أَنَّ عَبْدًا عَمَّرَهُ اللَّهُ فِيمَا بَيْنَ الرُّكْنِ وَ الْمَقَامِ وَ فِيمَا بَيْنَ الْقَبْرِ وَ الْمَنْبَرِ يَبْعِدُهُ أَلْفَ عَامٍ ثُمَّ ذُبِحَ عَلَى فِرَاشِهِ مَظْلُوماً كَمَا يُذْبِحُ الْكَبِشُ الْأَمْلَحُ ثُمَّ لَقِيَ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ بِغَيْرِ وِلَايَتِنَا لَكَانَ حَقِيقاً عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ أَنْ يُكَبِّهَ عَلَى مَنْخَرِيهِ فِي نَارِ جَهَنَّمَ؛ ثواب الاعمال صدوق/۲۱۰)

**خداوند عمل بنده‌ای که در مورد ما اهل بیت(ع) شک داشته باشد را قبول نمی‌کند**

• تعبیر چنین روایاتی تأیید می‌کند که **ما برای خوب بودن و انجام دادن چند کار خوب آفریده نشده‌ایم. ما به این دنیا آمده‌ایم تا با هوای نفسمان مبارزه کنیم و این مبارزه نهایتاً به پذیرش و تبعیت از ولایت ختم می‌شود.**

• پیامبر اکرم(ص) فرمودند: «اگر بنده‌ای هزار سال در بین رکن و مقام خدا را عبادت کند و بعد هم مظلومانه مثل گوسفند ذبح شود، او با همان کسانی محشور می‌شود که به آنها تاسی و اقتدا می‌کرده و با هدایت آنها هدایت می‌شده است؛ اگر آنها اهل بهشت باشند، او هم بهشتی می‌شود و اگر آنها جهنمی باشند، او هم جهنمی می‌شود؛ لَوْ أَنَّ عَبْدًا عَبَدَ اللَّهَ أَلْفَ عَامٍ مَا بَيْنَ الرُّكْنِ وَ الْمَقَامِ ثُمَّ ذُبِحَ كَمَا يُذْبِحُ الْكَبِشُ مَظْلُوماً لَبَعَثَهُ اللَّهُ مَعَ النَّفْرِ الَّذِينَ يَقْتَدِي بِهِمْ وَ يَهْتَدِي بِهِدَاهُمْ وَ يَسِيرُ بِسِيرَتِهِمْ إِنْ جَنَّتْ فَجَنَّتْ وَ إِنْ نَاراً فَنَارٌ» (بحار الانوار/۲۷/۱۸۰).

• در روایت دیگری از امالی مفید از امام باقر(ع) و امام صادق(ع) نقل شده است: «خداوند عمل بنده‌ای که در مورد ما اهل بیت شک داشته باشد را قبول نمی‌کند؛ نَحْنُ أَهْلُ الْبَيْتِ لَا يَقْبَلُ اللَّهُ عَمَلَ عَبْدٍ وَ هُوَ يَشْكُ فِينَا» (امالی مفید/۳).

**اهمیت «هوی» در قرآن/ هوای نفس علت مخالفت با انبیاء**

• قرآن به عنوان یکی از ویژگی‌های پیامبر اکرم(ص)، می‌فرماید: «پیامبر از روی هوای نفس حرف نمی‌زند؛ وَ مَا يُنطِقُ عَنِ الْهَوَى» (نجم/۳). معلوم می‌شود تبعیت از «هوی» مسأله مهمی است و پیامبر(ص) اهل آن نیست. این نوعی نگاه مثبت را برای دوری از «هوی» نشان می‌دهد.

• تعبیر دیگری هم در قرآن وجود دارد که کسانی که اهل تبعیت از هوای نفس هستند را به سگ تشبیه می‌کند. مانند این آیه که درباره یکی از علماء بنی اسرائیل (لعنم باعورا) است: «و اگر می‌خواستیم درجات و مقاماتش را به وسیله آن آیات بالا می‌بردیم، ولی او به امور ناچیز مادی و لذت‌های زودگذر دنیایی تمایل پیدا کرد و از هوای نفسش پیروی نمود، پس مثل او مانند سگ است که اگر به او هجوم ببری، زبانش را بیرون می‌آورد، و اگر به حال خودش رها کنی، باز هم زبانش را بیرون می‌آورد و له می‌زند.» (از شدت

هواپرستی، یک حالت عطش نامحدود پیدا کرده که هیچگاه از دنیا سیر نمی‌شود). این داستان گروهی است که آیات ما را تکذیب کردند؛ وَ لَوْ شِئْنَا لَرَفَعْنَاهُ بِهَا وَ لَكِنَّهُ أَخْلَدَ إِلَى الْأَرْضِ وَ اتَّبَعَ هَوَاهُ فَمَثَلُهُ كَمَثَلِ الْكَلْبِ إِنْ تَحْمِلُ عَلَيْهِ يَلْهَثُ أَوْ تَتْرُكُهُ يَلْهَثُ ذَلِكَ مَثَلُ الْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا» (اعراف/۱۷۶).

- خداوند در آیه دیگری می‌فرماید: «ما از بنی‌اسرائیل بر اطاعت از خدا و پیروی از موسی پیمان گرفتیم و پیامبرانی به سوی ایشان فرستادیم، هرگاه پیامبری احکام و قوانینی برای آنان می‌آورد که مطابق هوای نفسشان نبود(دلخواهشان نبود)، برخی از پیامبران را تکذیب می‌کردند و برخی را می‌کشتند؛ لَقَدْ أَخَذْنَا مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَ آرْسَلْنَا إِلَيْهِمْ رَسُولًا كُلَّمَا جَاءَهُمْ رَسُولٌ بِمَا لَا تَهْوَى أَنْفُسُهُمْ فَرِيقًا كَذَّبُوا وَ فَرِيقًا يَقْتُلُونَ» (مائده/۷۰)

### قرآن: حق نمی‌تواند از «هوای مردم» تبعیت کند

- حق نمی‌تواند از هوای مردم تبعیت کند، چون در میان مردم نظراتی هست که منطبق با هوای نفس آنهاست. خداوند می‌فرماید: «اگر حق، از هوای نفس مردم تبعیت کند، آسمان‌ها و زمین و آنچه که در آنها است به فساد و تباهی کشیده می‌شود؛ وَ لَوْ اتَّبَعَ الْحَقُّ أَهْوَاءَهُمْ لَفَسَدَتِ السَّمَاوَاتُ وَ الْأَرْضُ وَ مَنْ فِيهِنَّ» (مؤمنون/۷۱)
- خداوند در آیه دیگری می‌فرماید: «آیا دیدی آن کسی را که هوای نفس خود را خدای خود گرفت و خدا او را با داشتن علم گمراه کرد و بر گوش و قلبش مهر زد و بر چشمش پرده انداخت، دیگر بعد از خدا چه کسی او را هدایت می‌کند آیا باز هم متذکر نمی‌شوید؟! أَفَرَأَيْتَ مَنْ اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ وَ أَسْأَلَهُ اللَّهُ عَلَى عِلْمٍ وَ خَتَمَ عَلَى سَمْعِهِ وَ قَلْبِهِ وَ جَعَلَ عَلَى بَصَرِهِ غِشَاوَةً فَمَنْ يَهْدِيهِ مِنْ بَعْدِ اللَّهِ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ» (جاثیه/۲۳)

### در غرب هواپرستی تئوریزه شده است/ غربی‌ها «حقوق بشر» را معادل «هوای بشر» قرار داده‌اند

- این آیات نشان می‌دهد که تبعیت از هوای نفس چه آثار و نتایج سوئی به دنبال دارد و باید به شدت از پیروی نفس پرهیز کرد. ولی متأسفانه در غرب، هواپرستی تئوریزه شده است و هر چه هوای نفس بخواهد، حق را به او می‌دهند. به بیان دیگر غربی‌ها «حق بشر» را معادل «هوای بشر» قرار داده‌اند. این تبعیت از «هوای بشر» در ساختارهای مختلف غرب نفوذ کرده است و قوانین حاکم بر غرب و مرتبط با تفکر غربی، دومینوی فساد را راه می‌اندازد. ممکن است سقوط اولین مهره‌های این دومینو خیلی مهم نباشد، ولی وقتی این دومینو شروع می‌شود، هر مهره خوب و باارزشی که سر راه باشد را هم خواهد انداخت و از بین خواهد برد.
- به عنوان مثال این دومینوی فساد را در مهره‌های اولیه با پیشنهادهایی مانند ایجاد خط تماس مستقیم برای بچه‌هایی که از پدر و مادر خود شکایت دارند، شروع می‌کنند که در ظاهر چیز بدی نیست اما وقتی این دومینو شروع شود، اقتدار مثبت والدین برای تربیت فرزندان، احترام بزرگ‌ترها و ارکان خانواده را تهدید خواهد کرد؛ چنان که برخی از نتایج آن را در غرب مشاهده می‌کنیم. دومینوهایی مانند از بین بردن اقتدار مثبت مرد در خانواده، برابری ارث زن و مرد برخلاف احکام الهی، گرایش به ساختارها و نوع قوانین غربی و.... برخی از این دومینوها هستند.
- دومینوهای فاسدی هم بودند که در اصل از زمان رسول خدا(ص) شروع شدند اما فساد و تباهی خود را در کربلا نشان دادند...

